

طراحی شبکه مضمونهای سیاستهای کلی نظام خانواده

مبنتی بر شیوه الگوسازی ساختاری تفسیری

هادی خان محمدی^۱

حسین اصلی پور^۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۲۹

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۸/۲۱

چکیده

این پژوهش ابرخطمشی «سیاستهای کلی نظام در حوزه خانواده» را مدنظر دارد. این سیاستها به لحاظ زمانی پس از قانون اساسی و سند چشم‌انداز به رشته تحریر درآمده و به همین دلیل جهتگیری این دو سند کلان در این سیاستها حفظ و رعایت شده است. پژوهشگران معتقدند، تحلیل سیاستهای کلی نظام در حوزه خانواده منعکس‌کننده چکیده مبانی و رویکرد جمهوری اسلامی ایران به موضوع زنان و خانواده را در بر دارد. سؤال اصلی تحقیق این است که مضمونهای اصلی سیاستهای کلی خانواده کدام است و در مجموع چه الگوی شبکه‌ای را ترسیم می‌کند. برای پاسخ به این سؤال مبنتی بر رویکرد کیفی از دو راهبرد تحلیل مضمون و الگوسازی ساختاری تفسیری به صورت متوالی استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی است که مضمونهای این سیاستها در سه سطح ساختاری قرار می‌گیرد. سطح یک این الگو به اهداف غایی این سیاستها اشاره دارد که در واقع تحکیم خانواده اسلامی است. سطح دوم رویکرد فرهنگی و در نهایت سطح سوم عوامل زمینه‌ای و بسترساز حاکم بر الگو را تبیین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: خانواده، سیاست خانواده، سیاست عمومی، سیاستهای کلی خانواده، الگوسازی ساختاری - تفسیری.

۱ - نویسنده مسئول: استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبائی h.khanmohammadi110@gmail.com

۲ - استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبائی aslipour@gmail.com

مقدمه

سیاستگذاری عمومی، شاخه‌ای از علم مدیریت دولتی است که موضوع آن چگونگی حل مسائل عمومی جامعه است. یکی از مهمترین مسائل عمومی برآمده از حوزه‌های تخصصی جامعه، مسائل مربوط به «خانواده» است که در دسته «خط‌مشی‌ها یا سیاستهای خانواده»^۱ قرار می‌گیرد. در یک تقسیم‌بندی، «سیاست‌ها» یا «خط‌مشی‌ها» به سه نوع سیاستهای فراگیر (ابر سیاست یا ابر خط‌مشی)^۲، سیاستهای هادی^۳ و سیاستهای عمومی^۴ تقسیم می‌شود. سیاست فراگیر از دو حوزه دیگر کلی‌تر است و عموم حوزه‌های قانونگذاری را شامل می‌شود. مواردی نظیر قانون اساسی یا سیاستهای کلی در این دسته قرار می‌گیرد. ابر سیاستها جهت و چگونگی سیاستگذاری خط‌مشی‌های هادی را مشخص می‌کند. سیاستهای هادی نیز با دیدی کلان نسبت به مسائل و مشکلات چارچوبی مفید را برای تهیه و تنظیم سیاستهای عمومی کشور فراهم می‌سازد. سیاستهای هادی معمولاً نقشه راه مشترک میان چند سازمان یا نهاد عمومی را بیان می‌کند. در سطح سوم نیز سیاستهای عمومی بیانگر چگونگی عملیات و فعالیتهای سازمان عمومی در راستای برطرف کردن مشکلات و مسائل جامعه است (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۸: ۹). چنانچه این طبقه‌بندی را برای سیاستگذاری حوزه خانواده در نظر بگیریم، می‌توانیم مفاد «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، «سند چشم‌انداز ۱۴۰۴»، «سیاستهای کلی نظام» و «سیاستهای کلی برنامه‌های توسعه کشور» را به مثابه ابرسیاستها یا ابر خط‌مشی‌های حاکم بر سیاستگذاری حوزه خانواده تلقی کنیم. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸ و اصلاح شده در ۱۳۶۸ به‌طور یکسان بر اهمیت جایگاه نهاد خانواده و نقش ویژه زنان و استیفای حقوق آنان تأکید شده است. علاوه بر این در اصل دهم قانون اساسی نیز آمده است: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزیهای مربوط، باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.» هم‌چنین اصل ۲۱ قانون اساسی وظایف دولت را درباره تأمین حقوق زنان و خانواده مورد تأکید قرار داده است. در تدوین چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ در مسیر تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی، «نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط

1 - Family Policy
 2 - Meta Policy
 3 - Directing Policy
 4 - Public Policy

زیست مطلوب» مطرح شده است. این پژوهش ابر خط‌مشی «سیاست‌های کلی نظام در حوزه خانواده» را مد نظر دارد. این سیاستها در بهمن‌ماه ۱۳۹۴ مورد تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت و در شهریورماه سال ۱۳۹۵ توسط مقام معظم رهبری به قوای سه‌گانه ابلاغ گردید. این سیاستها به لحاظ زمانی پس از قانون اساسی و سند چشم‌انداز به رشته تحریر درآمده و به همین دلیل جهتگیری دو سند کلان در این سیاستها حفظ و رعایت شده است. پژوهشگران معتقدند، تحلیل سیاست‌های کلی نظام در حوزه خانواده منعکس‌کننده چکیده مبانی و رویکرد جمهوری اسلامی ایران به موضوع زنان و خانواده را در بر دارد. این موضوع با در نظر گرفتن تفاوت‌های بنیادین و ماهوی اسلام و غرب در سیاستگذاری خانواده بر اهمیت این سند بالادستی بیش از پیش می‌افزاید. چنانچه طبقات موضوعی این سند بخوبی تحلیل، و ارتباطات میان این موضوعات واکاوی شود، تصویر مناسبی از رویکرد مبتنی بر اسلام به خانواده عرضه خواهد شد. آن‌گاه می‌توان این تصویر را با مبانی و دسته‌بندی‌های متعارف از مسائل خانواده در اندیشه متفکران غربی مقایسه، و تمایز آن را استخراج کرد. بنابراین سؤالات اصلی این تحقیق عبارت است از:

۱- مضمون‌های پایه و سازمان‌دهنده سند «سیاست‌های کلی خانواده» چیست؟

۲- شبکه مضمون‌های سیاست‌های کلی خانواده چه الگویی دارد؟

هر چند مطالعات مربوط به سیاستگذاری خانواده در پژوهش‌های غربی از دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز شده است و روز به روز بر حجم آنها افزوده می‌شود، جستجوی پژوهشگران در زمینه مطالعات درباره سیاستگذاری خانواده (به عنوان یکی از شاخه‌های مهم رشته مدیریت و سیاستگذاری عمومی) در داخل کشور بدون نتیجه بود به طوری که می‌توان ادعا کرد این پژوهش نخستین پژوهش با رویکرد «سیاستگذاری خانواده» با رویکرد مدیریت دولتی در داخل کشور به‌شمار می‌رود. در ادامه به ارائه برخی مفاهیم نظری این تحقیق اشاره می‌شود:

شاید به نظر برسد که مفهوم «خانواده»، بسیار روشن و همه فهم است؛ اما زمانی که به منابع واژه‌شناسی مراجعه کنیم، می‌بینیم تعاریف گوناگونی از آن شده است و صاحب‌نظران بر اساس تخصص و نیازشان، هر کدام تعریفی از «خانواده» ارائه کرده‌اند. برخی خانواده را سازمان اجتماعی می‌دانند و بعضی روابط خویشاوندی و هم‌خونی را اساس تشکیل خانواده تلقی کرده‌اند؛ عده‌ای دیگر عامل اقتصادی و گروهی نیز عوامل روانی و جنسی را سبب پیدایش آن قلمداد کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۳۱).

خانواده‌ها را از نظر ساختار و نوع روابط درونی بین اعضا به چند نوع تقسیم کرده‌اند؛ مثلاً

جامعه‌شناسان از خانواده‌های گسترده و هسته‌ای نام می‌برند یا روانشناسان نیز از خانواده‌های با اقتدار، قدرت‌طلب و سهل‌انگار یاد می‌کنند. نوع دیگر طبقه‌بندی زمانی است که ملاک طبقه‌بندی مباحث اعتقادی و دینی است. در این زمان از خانواده‌های مذهبی، خانواده‌های بی‌مذهب و خانواده‌های ضد مذهب نام برده می‌شود (رحماندوست، ۱۳۷۱: ۴۵).

برخی از مهمترین نظریات اندیشمندان غربی را می‌توان در نظر تالکوت پارسونز (خانواده هسته‌ای)، رنه کونینگ (کارکردهای خانواده)، هلموت شلسکی (گروه صمیمی)، نظریه مارکیستی مارکس و انگلس (نقش خانواده در تثبیت مالکیت جمعی) بررسی کرد. اسلام بر خلاف نظر اندیشمندان غربی از «قداست خانواده» دفاع می‌کند. خانواده به خودی خود دارای قداست است؛ اما می‌توان گفت قداست در خانواده یعنی رفتار اعضای خانواده با یکدیگر به سبکی خردمندانه و این رفتار خردمندانه، که سبب حفظ قداست خانواده می‌شود، خود دارای معیارهایی چون راستی و درستی، اعتماد، وفاداری، تدین و روابط صمیمانه است و هر آنچه را خرد انسانی می‌پسندد.

در ادامه باید به مفهوم سیاستگذاری عمومی پرداخت. پیدایش رشته سیاستگذاری (خط‌مشی‌گذاری) در آثار «لاسل» و «لرنر» ریشه دارد؛ اما گسترش و نهادینه‌شدن آن در دانشگاه‌های غربی، پانزده تا بیست سال بعد، یعنی در اواسط دهه شصت آغاز شد و زمینه را برای ارتباط میان علوم سیاسی و دیگر رشته‌های اصلی علوم اجتماعی، مانند اقتصاد، جامعه‌شناسی، تاریخ و فلسفه به‌منظور شناخت و بهبود سیاستگذاری‌ها فراهم کرد (اشتریان، ۱۳۸۶: ۱۳). ریچارد دای^۱ «سیاست عمومی» را «هر آنچه حکومتی انتخاب می‌کند که انجام دهد یا انجام ندهد»، توصیف می‌کند. تعریف دای دارای سه جنبه مهم و اساسی است (هاولت و رامش^۲، ۲۰۰۹: ۵):

۱ - عامل اولیه و اساسی سیاستگذاری، دولت است؛ یعنی تصمیمات بخش خصوصی، سازمانهای خیریه، گروه‌های ذی‌نفع، افراد و یا دیگر گروه‌های تأثیرگذار حتی سازمانهای مردم‌نهاد^۳ سیاست عمومی به شمار نمی‌روند. ویژگی اصلی تصمیمات دولتی معتبر و الزام‌آور بودن آن برای شهروندان و تمامی گروه‌های مرتبط است.

۲ - سیاست عمومی، انتخابی اساسی از سوی دولت است که ممکن است شامل انجام دادن برخی چیزها در پاسخ به مسئله عمومی و یا «انجام ندادن» کاری در برابر آن باشد؛ به عبارت دیگر

1 - Richard Dye
2 - Howlett and Ramesh
3 - NGOS

مطابق با تعریف دای «بی‌تصمیمی» یا «تصمیم منفی» نیز نوعی سیاست عمومی به‌شمار می‌رود. بی‌تصمیمی، رها کردن مسئله در همان وضعیتی است که در آن قرار دارد که البته آگاهانه از سوی دولت انجام می‌شود.

۳- سیاست عمومی، انتخاب آگاهانه و هوشیارانه دولتهاست. اقدامات و تصمیمات دولتی به هر حال دارای برخی پیامدهای ناخواسته (مفید یا غیر مفید) است؛ مثلاً ممنوع کردن تجارت توتون ممکن است به گسترش بازارهای سیاه و قاچاق آن منجر شود. مطابق با این تعریف، پیامد ناخواسته تصمیمات دولت، سیاست عمومی به‌شمار نمی‌رود.

در تعریف دیگری ویلیام جنکینز^۱ (۱۹۷۸)، سیاست عمومی را مجموعه تصمیمات متعامل بازیگر یا گروهی از بازیگران سیاسی تلقی می‌کند که می‌باید به صورت قانونی و در حوزه اختیارات بازیگران گرفته شده باشد. وی بر خلاف دای، که سیاست عمومی را انتخاب می‌داند، آن را فرایندی شامل برخی اقدامات در نظر می‌گیرد که از زمان احساس مشکل (نهفتگی مشکل) شروع می‌شود و تا ارزیابی از اجرای آن ادامه می‌یابد و صرفاً تصمیم‌گیری نیست (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۹۷).

از آنجا که سیاستگذاری - همان‌طور که پیشتر اشاره شد - فرایند حل مسئله عمومی است، می‌توان مراحل سیاستگذاری را متناظر با مراحل حل مسئله برشمرد.

جدول ۱: تناظر فرایند سیاستگذاری عمومی و فرایند حل مسئله

مراحل سیاستگذاری	تناظر با مراحل حل مسئله	بازیگران هر مرحله
دستور کارگذاری سیاست	شناخت مسئله	کل جامعه تأثیرپذیران سیاست ^۲
شکل‌گیری سیاست	ارائه راه‌حلهای پیشنهادی	ذی‌نفعان مستقیم سیاست ^۳
تصمیم‌گیری	راه‌حل نهایی	دولت
اجرای سیاست	اجرا و جرح و تعدیل راه‌حل	ذی‌نفعان مستقیم سیاست
ارزیابی سیاست	کنترل و نظارت بر نتایج	کل جامعه تأثیرپذیران سیاست

منبع: هاوالت و رامش، ۲۰۰۹: ۱۳-۱۲

1 - William Jenkins

۲ - معادل اصطلاح Policy universe (جهان سیاست عمومی)، مجموعه‌ای از «بازیگران»، «افکار» و «ساختارها/ نهادها»یی که با یکدیگر ترکیب می‌شود و در چنین فضایی مسئله عمومی به طور واقعی پدید می‌آید و پاسخ می‌یابد.

۳ - معادل اصطلاح Policy subsystem. هر گروه یا هر بخش از بازیگران و ساختارهای سیاست عمومی که ذیل جهان سیاست عمومی با یکدیگر تعامل دارند (منظومه‌ای منحصر به فرد). هر زیر مجموعه از جهان سیاست عمومی شامل بازیگران در دو سطح دولتی و اجتماعی (بازیگران اجتماعی نظیر گروه‌های ذی‌نفع، رسانه، سازمانهای پژوهشی، کسب و کارها و کارگران یا نیروهای کار) است که در بستر سامانه‌ای پیچیده به تعامل دو طرفه با یکدیگر می‌پردازند.

4 - Howlett and Ramesh

در این جدول، سیاستگذاری کلاً به پنج مرحله تقسیم شده است که سه مرحله نخست آن از جمله زیر مراحل «تدوین» سیاست عمومی به‌شمار می‌رود و در واقع گسترش‌یافته مرحله تدوین است. همان‌گونه که در بخش بازیگران سیاست عمومی نیز اشاره شده بود، متناسب با پیشرفت مراحل سیاستگذاری در سه مرحله نخست، قلمرو بازیگران هر مرحله محدود و محدودتر می‌شود تا در مرحله تصمیم‌گیری فقط بازیگران مستقیم دولتی ایفای نقش می‌کنند.

یکی از ویژگیهای مشترک عموم تعاریف سیاست عمومی این است که تقریباً تمامی آنها سیاست عمومی را در پاسخ به «مسئله‌ای عمومی»^۱ مطرح می‌کند. بنابراین سیاستگذاری، دانشی مسئله‌محور و با هدف غایی حل مسائل عمومی است (هاولت و رامش^۲، ۲۰۰۹: ۷-۵). از مهمترین مصداقهای «مسئله عمومی» در گونه‌شناسی مسائل مرتبط با آحاد شهروندان، «مسائل حوزه خانواده»^۳ است که در برخی طبقه‌بندیها ذیل «سیاستهای اجتماعی» در کشورهای مختلف پیگیری می‌شود (والکر، ۱۹۸۸: ۴۸).

شکل‌گیری سیاست عمومی (و از جمله آن سیاستهای خانواده) تحت تأثیر اولویتهای جامعه با وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. همان‌طور که حوادث از محیط به داخل سامانه سیاسی نفوذ می‌کند به سامانه نظم جدیدی می‌دهد. بنابراین اگرچه اهمیت شرایط و اولویتهای زمان وقوع، اغلب غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل تخمین است، عوامل پیش‌برنده به تعریف مسائل جدید متعاقب برای پاسخ به آنها کمک می‌کند. ارزش عوامل پیش‌برنده سیاست عمومی از تعامل چهار عامل به دست می‌آید: قلمرو، شدت (حساسیت)، زمان و منابع. در جدول زیر به‌طور خلاصه نقش این عوامل تشریح شده است (دانش‌فرد، ۱۳۹۲: ۵۲):

1 - Public Problem
2 - Howlett and Ramesh
3 - Family Policy

جدول ۲: ابعاد مؤثر بر عوامل پیشران سیاست عمومی

ردیف	ابعاد عوامل پیشران	توضیح
۱	قلمرو ^۱	تعداد افراد در یک مرز جغرافیایی که به وسیله عوامل پیشران تحت تأثیر قرار می‌گیرند. اگر یک رویداد، تأثیر گسترده‌ای بر بخش بزرگی از جامعه داشته باشد، تقاضا برای تغییر وضعیت و تعیین سیاست عمومی دامنه وسیعی به خود خواهد گرفت.
۲	شدت (حساسیت) ^۲	شدت حادثه‌ای که از سوی مردم ادراک می‌شود که معمولاً خشم، ترس و یا تأثیر شدید آنها را در پی خواهد داشت.
۳	زمان ^۳	مقطع و طول زمانی که هر رویداد، ظهور و ادامه پیدا می‌کند.
۴	منابع ^۴	هزینه‌هایی که بروز هر رویداد به دنبال دارد. هر چه عوامل مربوط به سلامتی و زندگی بیشتر مورد تهدید قرار بگیرد، عامل پیشران تقویت خواهد شد؛ چرا که هزینه‌های غیرقابل جبرانی به دنبال دارد.

با در نظر گرفتن این عوامل چهارگانه باید گفت که «سیاست‌های خانواده» در قلمرو مسائل اجتماعی در هر چهار معیار سطح بالای پیوستار مورد نظر را به خود اختصاص می‌دهد و این از جمله نکات حائز اهمیت در توجه سیاست‌گذاری به مسائل اجتماعی و حوزه خانواده در فرایند سیاست‌گذاری عمومی کشورها است.

از ترکیب دو مفهوم خانواده و سیاست‌گذاری عمومی به مفهوم سیاست‌گذاری خانواده می‌رسیم که امروز یکی از مباحث جدی محافل علمی دنیاست. سیاست‌گذاری خانواده را می‌توان شاخه‌ای از سیاست‌گذاری اجتماعی تلقی کرد. در یک تعریف، سیاست‌گذاری خانواده «هر آنچه دولتها انجام می‌دهند و خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد»، تعریف شده است. (وود، ۲۰۱۲)؛ حتی برخی از اندیشمندان، سیاست‌گذاری خانواده را نوعی «دیدگاه» معرفی کرده‌اند؛ دیدگاهی که باید بر نگاه سیاست‌گذاری در وضع خط مشی‌ها و سیاست‌های عمومی جامعه حاکم باشد (زیمرمن، ۱۹۹۵).

در تعریفی کوتاه می‌توان گفت سیاست‌گذاری خانواده، «مجموعه‌ای از گزینه‌های خط‌مشی جدا و در عین حال مرتبط با یکدیگر است که در راستای حل مسائلی است که خانواده در بستر جامعه درک می‌کند و یا در حال تجربه کردن آنهاست» (هانترایس، ۲۰۰۴). برخی از مهمترین این مسائل در جدول ۳ ذکر شده است.

1 - Scope
2 - Intensity
3 - Time
4 - Resources

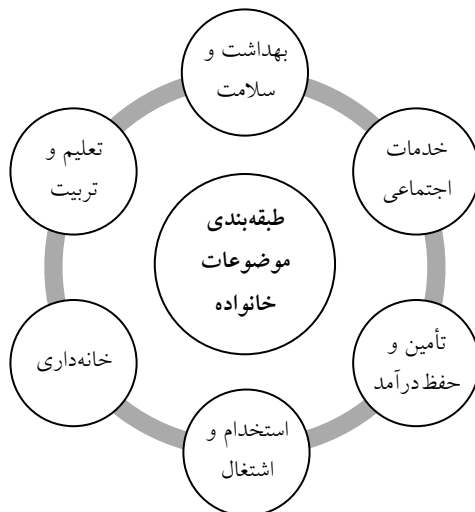
جدول ۳: طبقه‌بندی مهم‌ترین مسائل مرتب با نهاد خانواده

- ایفای انفرادی نقش والدین	- بهداشت و سلامت ضعیف	- نبود قدرت در نهاد خانواده
- فروپاشی نهاد خانواده	- بی‌خانمانی	- شکاف بیش از حد در درآمدها
- فقر	- تخدیر و سوء استفاده از داروها	- وابستگی در سطح رفاهی
- خودکشی	- اعتیاد به مشروبات الکلی	- مراقبت‌های جنسی
- بیکاری	- شیوع جرم و جنایت	- سقط جنین
- مراقبت‌های درمانی بلندمدت	- نبود خدمات مراقبت از کودکان	- تبعیض جنسیتی
- تقاضاهای گسترده محلّ اشتغال	- تضعیف ارزشهای مشترک خانوادگی	- مسائل حمل و نقل (رفت و آمد)
- تعامل با نهادهای دولتی	- درگیر شدن والدین در امور مدرسه فرزندان	- آموزش‌های جنسی در محیط مدرسه

منبع: ماتزک و استنر، ۲۰۱۰

مباحث مربوط در سیاستگذاری خانواده در واقع بر آن بخش از حلّ مسائل تمرکز دارد که نیازمند ایفای نقش دولتهاست. این ایفای نقش ممکن است در برخی موارد نیازمند وضع قوانین و یا نهادسازیهای مرتبط توسط دولتها چه در سطح ملی و چه در سطح محلی باشد. نکته حائز اهمیت در این بین این است که از آنجا که جامعه، ماهیتی پویا دارد، مسائل خانواده نیز ثابت نیست و در پی آن، مسائل اجتماعی از ماهیتی پویا برخوردار است؛ لذا اشتراک و فراگیری مسائل خانواده یا به عبارت دیگر توافق عمومی بر تعریف مسائل خانواده در این بین حائز اهمیت فراوان است (مرسیر و همکاران، ۲۰۰۰).

مصادقها و خروجیهای سیاستگذاری خانواده بسیار گوناگون و در برنامه‌های مختلفی قابل پیگیری است که از جمله آنها می‌توان به برنامه‌ها و سیاستهای «تعلیم و تربیت»، «برنامه‌ریزی خانواده»، «مراقبت و حمایت از کودکان»، «فرزندخواندگی»، «خدمات خانه - بازار»، «مراقبت‌های غذایی»، «امنیت اجتماعی»، «استخدام و به‌کارگیری»، «سلامت و بهداشت خانواده»، «مبارزه با خودکشی» و «خدمات کلینیکی و درمانی» اشاره کرد. طبقه‌بندی کلی این موضوعات و مسائل مرتبط با خانواده در شکل ۱ ارائه شده است (زیمرمن، ۱۹۹۵):



شکل ۱: طبقه‌بندی موضوعات خانواده (زیمرن، ۱۹۹۵)

علاوه بر اینکه سیاست‌گذاری‌های دولت بر حلّ مسائل خانواده تأثیرگذار است در عین حال نمی‌توان از ایفای نقش نهاد خانواده در فرایند سیاست‌گذاری‌های عمومی نیز غفلت ورزید؛ به عبارت دیگر ارتباط دو نهاد سیاست‌گذاری عمومی و خانواده دو سویه است و هر یک از این دو در فعالیتها و امور مشخصی به دیگری وابسته است. برخی از نقشهای مهمّ خانواده در تأثیرگذاری بر نهاد سیاست‌گذاری عمومی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد (وود، ۲۰۱۲):

۱- اشتیاق و تمایل اعضای خانواده به مشارکت عمومی بویژه در مباحثی که خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲- عضویت در گروه‌های اجتماعی که بر دستور کارگذاری یا حلّ مسائل اعمال نفوذ می‌کند و یا تأثیرگذار است.

۳- در اولویت قرار دادن مسائل مهم به گونه‌ای که توجه سیاست‌گذاران را به خود جلب کند.

۴- رأی دادن به نامزدهایی که حلّ مسائل خانواده و بهبود کیفیت آن را در اولویتهای کاری خود قرار داده‌اند.

۵- تلاش برای ایجاد آشتی خانواده‌های محروم و غیر مشارکت‌کننده در امور عمومی با دولت

۶- مشارکت داوطلبانه در عرضه خدمات عمومی، اداری و سیاسی کشور

سیاستها یا خط‌مشی‌های خانواده نیز انواع گوناگونی دارد. پیش از ورود به انواع این سیاستها

باید گفت که نوع زاویه دید مشاهده گر در طبقه بندی آنها حائز اهمیت است. در اینجا تقسیم بندی بر مبنای چهار بعد، رویکرد یا زاویه دید صورت گرفته است (ماتزک و استنر، ۲۰۱۰):

۱ - صراحت بر اهداف سیاست خانواده: با توجه به اینکه سیاست مربوط صریحاً اهداف مربوط به خانواده را دنبال می کند، سیاستها را به دو دسته «سیاستهای صریح» و «سیاستهای ضمنی» طبقه بندی می کند. پژوهشها حاکی است که عمده سیاستهای خانواده در غرب از نوع سیاستهای ضمنی (غیر صریح) است؛ چرا که معمولاً صحبت از بهبود وضعیت نهاد خانواده در غرب در لابه لای مسائل و اولویتهای متعدد سیاستگذاری عمومی به تأخیر می افتد.

۲ - مکتوب یا غیر مکتوب بودن سیاست خانواده

۳ - توجه به پیامدهای اجرای سیاست: این معیار بیانگر خروجی سیاستهای عمومی است که در کشور در حال اجرا است. طبعاً اجرای سیاست مربوط به حوزه خانواده به صورت «مستقیم»، خانواده را تحت تأثیر قرار می دهد؛ حال اینکه ممکن است اجرای سیاستهای عمومی دیگر حوزهها (نظیر سیاستهای امنیتی کشور) به صورت «غیر مستقیم» خانواده را تحت تأثیر قرار دهد. آنچه در این معیار حائز اهمیت است، تأثیر خروجی جریان سیاستگذاری کشور بر نهاد خانواده است.

۴ - توجه به قصد و نیت سیاستگذاران از وقوع نتایج سیاست: این معیار بیانگر این است که نتایج، محصولات و خروجیهای سیاست خانواده تا چه میزان مورد توجه و خواست سیاستگذاران بوده است؛ به عبارت دیگر «نیت مندی» سیاستگذاران از نتایج سیاست چگونه است؟

بر اساس این چهار معیار و یا چهار زاویه دید، سیاستهای خانواده را می توان به هشت قسمت به شرح جدول ذیل طبقه بندی کرد:

جدول ۴: تقسیم‌بندی هشتگانه انواع سیاست خانواده

تعریف	انواع سیاست‌های خانواده
جهتگیری سیاست مربوط، نسبت به اهداف خانواده تصریح شده است. این سیاستها معمولاً یکی از اهداف توانمندسازی خانواده‌ها در بهبود انسجام خانواده، توانمندسازی والدین در مراقبت از کودکان، توانمندسازی کودکان در مراقبت از والدین بیمار، بهبود وضعیت مالی و معیشت خانواده‌ها، عرضه خدمات عمومی به خانواده‌ها، ساماندهی امور ازدواج و طلاق را دنبال می‌کند.	صریح
جهتگیری سیاست‌ها در راستای اهداف خانواده شفاف نیست. سیاست‌هایی نظیر بهداشت و سلامت عمومی، اصلاحات در شیوه تأمین مالی مدارس و قوانین تعلیم و تربیت در این زمره قرار می‌گیرند.	ضمنی
سیاست‌هایی که آشکارا و علنی توسط دولت به اطلاع عموم مردم می‌رسد. این سیاستها حتماً به صورت مکتوب در می‌آید و فرایند قانونگذاری اعم از مراحل تصویب، مشروعیت‌بخشی، اجرا و ارزیابی را طی می‌کند. مثالهایی که پیشتر در مورد سیاست‌های صریح زده شد در این بخش نیز قابل استفاده است.	آشکار
سیاست‌هایی که لزوماً مکتوب، و به تبع آن اطلاع‌رسانی عمومی نیز نمی‌شود.	پنهان
سیاست‌هایی که نتایج آنها مستقیماً خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ برای نمونه می‌توان به سیاست (قانون) حمایت اجتماعی اشاره کرد.	مستقیم
نتایج دیگر حوزه‌های سیاستگذاری کشور که به صورت غیر مستقیم خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به سیاست امنیتی کشور و یا سیاست شیوه اداره انجمن‌های حزبی نظیر انجمن زنان کنگره اشاره کرد.	غیر مستقیم
سیاست‌هایی که نتایج آنها، خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در عین حال آن نتایج مورد خواست و نیت سیاستگذاران بوده است. مثالهایی که در مورد انواع پیشین ذکر شد بویژه مثالهای مربوط به سیاست‌های صریح در این بخش نیز قابل تکرار است.	کارکردی
سیاست‌هایی که نتایج آنها، خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ اما آن نتایج مورد خواست و نیت سیاستگذاران نبوده است. سیاست‌های مربوط به تأمین انرژی هسته‌ای و یا آزمایش بمب هسته‌ای به عنوان نمونه در این بخش قابل ذکر و اشاره است.	غیر کارکردی

منبع: ماتزک و استنر، ۲۰۱۰

از دیدگاه اسلامی نیز می‌توان به موضوع سیاستگذاری خانواده پرداخت. رویکرد اسلامی به موضوع سیاستگذاری خانواده به لحاظ مبانی ارزشی با رویکرد متعارف غربی تفاوت ماهوی دارد. هر چند هر دو حل مسائل مرتبط با نهاد خانواده را مد نظر دارند در تعریف ماهیت مسائل و نیز

اولویت‌بندی آنها کاملاً متفاوتند. اصولاً در مسیحیت تحریف شده، هیچ تشویق و ترغیبی برای شکل‌گیری خانواده وجود ندارد بلکه به نوعی تجرد و رهبانیت سفارش شده است. به همین دلیل در میان کشیشان مسیحی، ازدواج معنا و مفهوم مشخصی ندارد؛ این در حالی است که در اسلام، سفارشها و تأکیدات زیادی در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده وجود دارد. مرور آیات شریفه قرآن کریم حکایت از این دارد که از دید اسلام، انسان از ابتدای آفرینش در محیط خانواده بوده است. آیات متعددی وجود دارد که خداوند آدم و حوا را مشترکاً مخاطب قرار می‌دهد که این مسئله اهمیت جایگاه خانواده را از همان آغاز آفرینش می‌رساند.

خانواده از جمله نهادهای مؤثر و مهم در زندگی انسانهاست و می‌توان آن را نمونه عقلانیت انسانی دانست. حکمای اسلامی که انسان را موجودی مدنی بالطبع می‌دانند بر این امر تأکید بسیار کرده‌اند. خانواده هم‌چنین در فلسفه عملی اسلامی از دید حکمای اسلام پنهان نبوده است. فلسفه عملی را حکما به سه قسم اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن تقسیم‌بندی کرده‌اند که در بیان آن آمده است انسان پس از خودسازی باید همت خود را صرف تربیت خانواده کند. چنین فردی می‌تواند جامعه را نیز اداره کند و اینجاست که بحث زعامت حکما مطرح می‌شود.

آن‌قدر که اسلام به تحکیم بنیان خانواده اهمیت داده و در دستورهای خود گام به گام آن را دنبال کرده است، مکتبهای دیگر به استقرار خانواده بها نداده‌اند. اسلام پیش از همه، می‌خواهد فضایی عاطفی و محبت‌آمیز در محیط خانواده پدید آید و روابط بین اعضای آن بیش از پیش پایدار گردد (مصباح یزدی، ۱۳۸۵: ۲۸). خانواده‌ای از دید اسلام خوشبخت است که دوستی، صداقت و وفاداری بر فضای آن حاکم باشد؛ زیرا با اختلاف، بدبینی و خودمحوری، شیرازه خانواده از هم می‌پاشد. خدای متعال ایجاد محبت و همدلی بین زن و شوهر را از نشانه‌های خود می‌داند و می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» (روم/۲۹). یکی از نشانه‌های خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان بیارامید و میان شما و همسرانتان مودت و رحمت برقرار ساخت.

واحد بنیادین جامعه اسلامی خانواده است که به موجب وحی، جانشین قبیله شده و موجودیت اجتماعی بلافصل هر شخص است. یکی از مهمترین اصلاحات اجتماعی اسلام، محکم کردن بنای خانواده و پیوند ازدواج بود. در جامعه اسلامی نیز همانند بسیاری از دیگر جوامع سنتی، خانواده تنها به خانواده هسته‌ای، یعنی پدر و مادر و فرزندان محدود نمی‌شود، بلکه خانواده گسترده شامل پدربزرگ، مادربزرگ، عموها، دایی‌ها، خاله‌ها و عمه‌ها، فرزندان آنها و اقوام همسر می‌شود.

خانواده گسترده در تربیت فرزندان و حمایت از نسل جوانتر در برابر فشارهای اجتماعی و اقتصادی و انتقال دین، آداب و رسوم، سنتها و رموز حرفه خانوادگی نقش عمده‌ای دارد. بیش از این نمی‌توان بر نقش خانواده گسترده در جامعه اسلامی امروز تأکید کرد. در اثر مدرنیته بسیاری از نهادهای اسلامی از بین رفته؛ اما خانواده هنوز پا بر جاست. در غرب خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای کاهش یافته و اخیراً نیز طی پاره‌ای تغییرات اجتماعی، خانواده هسته‌ای به خانواده تک‌فرزندی تبدیل شده و نهاد خانواده بشدت تضعیف شده است. برخی از مهمترین اصول اسلامی حاکم بر نظام سیاست‌گذاری خانواده را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

عدم تشابه زن و مرد در عین تساوی حقوق: از آنجا که انسانها از نظر هوش، استعداد روحی و جسمی، یکسان نیستند برای هر یک با توجه به جنسیت و توانایی آنها در موقعیت‌های مختلف، وظایف و حقوقی تعیین شده و بدین وسیله امکان اداره خانواده و جامعه میسر گشته است تا نظام اجتماعی سامان یابد. ممکن است افرادی در مقام شعار، کلمه «مساوات» را بدون توجه به معنای واقعی آن در همه جا به کار برند، ولی در عمل، این مسئله هرگز بدون توجه به تفاوتها امکانپذیر نخواهد بود و عدالت معنا نخواهد داشت. از نظر تقسیم وظایف، وظیفه مرد به وجوه بیرونی خانواده در اجتماع معطوف است؛ زیرا تعامل اجتماعی در بیرون از محیط خانواده نیازمند برخورد‌های فیزیکی و روانی خاصی است و عنصر «ظریف» تاب و تحمل این کشمکش‌ها را ندارد؛ چرا که تعاملات بیرونی و اجتماعی، فاقد ظرافتها و ملاحظات عاطفی درون خانواده است. به دلیل اینکه در این محیطها افراد تعهد و مسئولیتی همانند تعهد خانوادگی نسبت به یکدیگر ندارند و منفعت شخصی در آنجا حرف آخر را می‌زند، چنین محیطی سرشار از کش و قوسهایی است بین افراد مختلف که با منفعت‌طلبی با یکدیگر در تعاملند. از سوی دیگر عامل مهم در منفعت‌های فردی، «عقل حسابگر» افراد است؛ زیرا پایه مهم اقتصاد و دیگر جنبه‌های تعاملات اجتماعی به این عامل مهم وابسته است. امروز در جهان غرب، و از نگاه پاره‌ای از روانشناسان، تفاوت‌های جنسی و جسمی زن و مرد، جدی قلمداد می‌شود و تفاوت‌هایی که در نقش‌های زن و مرد وجود دارد به جنبه‌های ذاتی و درونی آنها برگردانده می‌شود. این مسئله به این معنی است که برخی از متفکران غربی در حال تعدیل نظریات خود هستند و این در حالی است که امروزه برخی روشنفکران ما تحت تأثیر نگاه‌های قدیمی فمینیستی قرار دارند (مهدوی کنی، ۱۳۸۸: ۷۵).

البته شایان ذکر است که هم‌چنان تفکر غالب بر نظام برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری غرب بر تشابه و تساوی زن و مرد مبتنی است؛ به عنوان مثال کشورهای توسعه‌یافته در فرایند برنامه‌ریزی

فرهنگی، آموزشی و تربیتی هم‌چنان بر آن هستند تا با استفاده از روشهای گوناگون، ضمن شناسایی نابرابریهای جنسیتی، سیاستها، برنامه‌ها و اقدامات لازم برای رفع آن به کار رود تا زمینه برابری نقشها و موقعیتها فراهم شود. بر همین منوال نیز کنفرانس جهانی زن (پکن، ۱۹۹۵) در حالی که کوچکترین توجهی به ارزشمندی خانواده، مادری و همسری نمی‌کرد و حتی در متن سخنرانیهای کنفرانس، واژه «خانواده»^۱ به «اهل خانه و خانوار»^۲ تغییر داده شد تا گونه‌های متنوع همزیستی نیز در کنار خانواده به رسمیت شناخته شود، ایجاد نظام آموزشی حساس به جنسیت را تضمینی برای دسترسی به فرصتهای برابر آموزشی دانست و خواهان حذف سوگیریهای جنسیتی در برنامه‌های درسی شد. اعلامیه «اجلاس جهانی آموزش و پرورش داکار» (۲۰۰۰) نیز حذف تمایزات جنسیتی در آموزش ابتدایی و راهنمایی تا سال ۲۰۰۵ و دستیابی به تساوی جنسیتی در آموزش و پرورش تا سال ۲۰۱۵ را مورد تأکید قرار داد.

اصل تحکیم و حفظ خانواده: خانواده واحد کوچک اجتماعی است که با پیمان ازدواج زن و مرد آغاز می‌شود و با به دنیا آمدن فرزندان، توسعه و استحکام می‌یابد. از آنجا که استحکام خانواده در تحکیم جامعه انسانی اسلامی تأثیر مثبتی دارد، قرآن به صورت ویژه‌ای به تحکیم و ثبات خانواده عنایت، و تمام اصول حاکم بر روابط خانواده را بر این اصل مبتنی کرده است؛ بدین معنا که قرآن خود بر آنچه به تحکیم خانواده بینجامد، توجه ویژه‌ای دارد و با هر آنچه موجب تزلزل پایه‌های خانواده شود به مبارزه برخاسته است. از مجموعه آیات قرآن می‌توان نتیجه گرفت که قرآن حتی در زمانی که احکام حقوقی طلاق را بیان می‌کند، سعی بر حفظ تحکیم خانواده دارد و تا آنجا که امکان دارد شرایطی را برای طلاق تعیین کرده است که در صورت بروز اختلافهای جزئی، زن و مرد نتوانند براحتی از هم جدا شوند؛ در حالی که هیچ یک از این شرایط در نکاح منظور نشده است؛ به عنوان مثال حضور دو شاهد عادل هنگام اجرای صیغه طلاق یکی از تمایزات بین ازدواج و طلاق است: «فَإِذَا بَلَغَ اِجْلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ اَوْ فَارْقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَاَشْهَدُوا ذَوَى عَدْلِ مِنْكُمْ» (الطلاق/۲). در جایی هم که چاره‌ای جز جدایی و طلاق نباشد با اینکه طلاق را مبعوض‌ترین راه معرفی می‌کند برای حفظ حریم خانواده دستورهایی در این زمینه می‌دهد؛ زیرا با اجرای بعضی از قوانین می‌توان اموری را بر اعضای خانواده تحمیل کرد و ظاهراً آنها را وابسته نگهداشت؛ اما نمی‌توان انتظار خانواده‌ای باصفا و محبت را از آنها داشت. خانه‌ای

1 - Family
2 - House Hold

هم که در آن صفا نباشد از هم گسیخته و ویرانه‌ای بیش نخواهد بود.

اصل تقدم اخلاق بر حقوق: بنا به دیدگاه قرآن، طبیعت خانواده و نوع رابطه اعضای آن به صورتی است که حقوق به تنهایی قادر نیست این روابط را تنظیم کند. آنچه خانواده را اداره می‌کند، اخلاق است و حقوق در این حوزه برای زمان اختلاف و رجوع به دادگاه است. زندگی که بر اساس حق من و تکلیف تو شکل بگیرد، نمی‌تواند دوام داشته باشد. طبیعت خانواده با این روشها سازگار نیست. اگر اخلاق نباشد به زن و مرد این اجازه را می‌دهد که کارهایی را که واجب فقهی نیست یا انجام ندهند یا در مقابل، طلب اجر و مزد کنند. زن می‌تواند در مقابل کارهای خانه، نگهداری و شیر دادن کودک، درخواست اجر و مزد نماید و مرد نیز می‌تواند در مقابل بسیاری از خواسته‌های زن مخالفت کند و به این بهانه که وظیفه‌ای ندارد، بسیاری از هزینه‌های زندگی را به عهده نگیرد. اخلاق به جای این دستورهای خشک به تفاهم، مدارا و محبت، شفقت و احسان توصیه می‌کند. خانواده سازمانی حقوقی نیست که صرفاً با رعایت قوانین حقوقی بتوان در آن ایجاد نظم کرد و خانواده‌ای با آرامش و ثبات داشت. آنچه باید در خانواده به وجود بیاید، عشق و مهربانی و حسن نیت است و هیچ نیرویی جز اخلاق و ایمان نمی‌تواند بر این عواطف حکومت کند و آرامش را به آن بازگرداند. برای حفظ این کانون از خطر انحلال باید انواع تدابیر اخلاقی و اجتماعی را به کار برد (کاتوزیان، ۱۳۵۲: ۴۱۷).

اصل عدالت (موازنه حق و تکلیف): اصل عدالت به عنوان امری ذاتی و تکوینی و خارج از قوانین قراردادی مطرح است و هیچ ابهامی در این قضیه نیست که باید عدالت را رعایت کرد. اساس و شالوده همه احکام و اصول دین اسلام، عدل و رعایت عدالت است به طوری که هر تفسیر دین که به بی عدالتی منجر شود، قطعاً برداشت درستی از دین نیست. در آیات بسیاری موضوع عدالت به طور مستقیم مورد توجه قرار گرفته و به عنوان هدف رسالت پیامبران معرفی شده است: «لقد ارسلنا رُسُلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (الحديد/۲۵). آیات قرآن در هر حکمی که تکلیفی را بر عهده یکی از اعضای خانواده به تناسب آفرینش نهاده بلافاصله حقی برای او تعیین نموده است و در جایی که حقی به او داده تکلیفی را برای او تبیین کرده است؛ چنانکه امیرالمؤمنین درباره این تلازم می‌فرماید: «کسی را حقی نیست جز اینکه بر او نیز حقی است و بر او حقی نیست جز اینکه او را حقی بر دیگری است» (سید رضی، خطبه ۲۰۵).

روش

با توجه به هدف و مسئله‌ای که این پژوهش دنبال می‌کند، راهبرد اصلی آن کثرتگرایی روش‌شناختی با بهره‌گیری از دو راهبرد است. برای پاسخ به پرسش اول از راهبرد تحلیل مضمون و برای پاسخ به پرسش دوم از راهبرد الگوسازی ساختاری تفسیری استفاده شده است. علت به‌کارگیری راهبرد پژوهش «تحلیل مضمون» این است که این روش به‌عنوان یکی از روشهای متعارف و کاملاً نظام‌مند در تحلیل داده‌های کیفی بویژه داده‌های متنی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ لذا پژوهشگران در راستای تحلیل سند بالادستی سیاستهای کلی خانواده به‌عنوان «متن مستقل» از این روش بهره‌گرفتند. همچنین روش «الگوسازی ساختاری - تفسیری» در راستای طراحی شبکه مضمونها و به‌عبارت دیگر سطح‌بندی و شناسایی نظام تأثیر و تأثر مضمونهاى اصلی این سند مورد استفاده قرار گرفته است. توضیح مختصر هر کدام از روشها به این صورت است:

- تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و گوناگون را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون و کلارک^۱، ۲۰۰۶: ۷۷ تا ۱۰۱).

- تحلیل مضمون، صرفاً روش کیفی خاصی نیست بلکه فرایندی است که می‌تواند در بیشتر روشهای کیفی به کار رود. به‌طور کلی، تحلیل مضمون، روشی است برای

الف - دیدن متن

ب - برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب

ج - تحلیل اطلاعات کیفی

د - مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ (بویاتزیس^۲، ۱۹۹۸: ۶۵).
در این روش الگوهای مختلفی وجود دارد. فرایند تحلیل طبق الگوی هاروکس و کینگ شامل شناسه‌گذاری توصیفی، تفسیری و یکپارچه است (خان‌محمدی، ۱۳۹۳: ۱۳۴). در زمینه سنجش اعتبار و یا ارزیابی کیفیت مضمونهاى استخراج‌شده به کمک روش تحلیل مضمون نظریاتی توسط پژوهشگران صورت گرفت. از نظر کرسول پژوهشگران کیفی به‌منظور افزایش اعتبار پژوهشهای خود باید در هر پژوهش حداقل از دو راهبرد استفاده کنند که در این پژوهش اقدامات زیر انجام شد:

1 - Braun, V. & Clarke V.

2 - Boyatzis

۱ - بازخورد خبرگان: در این راستا نظر پنج نفر از استادان سیاستگذاری و علوم اجتماعی گرفته، و مطابق نظر آنها نتایج بازبینی شد که در حد اصلاح عناوین برخی مضمونها و مفاهیم زیرمجموعه آنها بوده است.

۲ - درگیری طولانی مدت پژوهشگران با موضوع تحقیق: از ویژگیها و تمایزات پژوهشهای کیفی در مقایسه با تحقیقات کمی این است که پژوهشگر ضمن تحلیل دادهها فرایند مقایسه و سنجش مستمر را انجام می دهد؛ به این معنی که دائماً نتایج تحلیلهای جدیدتر را با نتایج ظهوریافته تحلیلهای کیفی قبلی مقایسه می کند.

- الگوسازی ساختاری - تفسیری^۱ فرایند یادگیری تعاملی است که در آن مجموعه‌ای از عناصر مختلف و مرتبط با یکدیگر در یک الگوی سامانمند جامع ساختار بندی می شود. روش الگوسازی ساختاری تفسیری بر مبنای علوم ریاضی، نظریه گراف، علوم اجتماعی، تصمیم گیری گروهی و رایانه قرار دارد.

روش شناسی الگوسازی ساختاری تفسیری به برقراری نظم در روابط پیچیده میان عناصر هر سامانه کمک زیادی، و در تشخیص روابط درونی متغیرها کمک می کند و شیوه مناسب تجزیه و تحلیل تأثیر هر متغیر بر متغیرهای دیگر است. این روش، تفسیری است و به دنبال این است تا قضاوتی از تصمیم گروهی درباره ارتباطات متغیرها ارائه کند (تیزرو، ۱۳۸۹: ۷۱). به کارگیری موفقیت آمیز این روش مستلزم حضور فردی ماهر است که آسان کننده فرایند باشد.

الگوسازی ساختاری - تفسیری، الگویی مناسب برای تحلیل تأثیر یک عنصر بر دیگر عناصر است. این روش شناسی بر ترتیب و جهت روابط پیچیده میان عناصر هر سامانه تمرکز می کند؛ به بیان دیگر الگوسازی ساختاری تفسیری ابزاری است که به وسیله آن، اعضای هر گروه می توانند بر پیچیدگی بین عناصر غلبه کنند. الگوسازی ساختاری - تفسیری، یک الگوی تفسیری است؛ زیرا این قضاوت گروه است که تعیین می کند کدام یک از عناصر با هم رابطه، و چه رابطه‌ای دارد؛ بدین معنا که تصمیم بر مبنای قضاوتهای گروهی گرفته می شود و سؤال محوری در آن این است "آیا رابطه‌ای بین عناصر وجود دارد و در صورت مثبت بودن جواب، ارتباط آنها چگونه است" از سوی دیگر الگویی ساختاری است؛ به این معنی که در آن بر مبنای روابط، ساختاری کلی از مجموعه پیچیده عناصر اقتباس می گردد و در نهایت الگوسازی است؛ یعنی اینکه روابط عناصر و

ساختار کلی در یک الگوی گرافیکی مجسم می‌شود (یاوری، ۱۳۹۱: ۲۰۰).
 روش جمع‌آوری این تحقیق بررسی کتابخانه‌ای و استخراج سیاست‌های کلی خانواده است. هم‌چنین برای اجرای روش شناسی الگوسازی ساختاری تفسیری از پرسشنامه استفاده شده است. در حوزه روش نمونه‌گیری نیز از نمونه‌گیری هدفمند و نظری بهره گرفته شده است و بدین منظور ۱۵ پرسشنامه توزیع شد و در نهایت پس از پیگیری‌های لازم ده پرسشنامه برگشت و مبنای این پژوهش قرار گرفت. مراحل و گام‌های الگوسازی ساختاری تفسیری به این صورت است:
 مرحله نخست - تعیین ابعاد/ عناصر: روش الگوسازی ساختاری تفسیری با شناسایی متغیرها یا مضمون‌هایی شروع می‌شود که به مسئله یا موضوع مربوط است. این متغیرها از طریق مطالعه ادبیات موضوع یا از طریق مصاحبه با خبرگان به دست می‌آید که در این تحقیق، مضمونها با استفاده از روش تحلیل مضمون‌بند‌های سیاست‌های کلی خانواده به صورت جدول زیر به دست آمده است:

جدول ۵: تحلیل مضمون سیاست‌های کلی خانواده

بند	گزاره سیاستی	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده
۱	- ایجاد جامعه‌ای خانواده‌محور و تقویت و تحکیم خانواده و کارکردهای اصلی آن بر پایه الگوی اسلامی خانواده به عنوان مرکز نشو و نما و تربیت اسلامی فرزند و کانون آرامش‌بخش	- جامعه خانواده محور - تحکیم خانواده - مرکز تربیت اسلامی - کانون آرامش‌بخش	- تحکیم خانواده اسلامی
۲	- محور قرار گرفتن خانواده در قوانین و مقررات، برنامه‌ها، سیاست‌های اجرایی و تمام نظامات آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بویژه نظام مسکن و شهرسازی	- محوریت قرارگرفتن در ساختار و امور اجرایی کشور	- خانواده محوری در سیاست‌گذاری
۳	- برجسته کردن کارکردهای ارتباط خانواده و مسجد برای حفظ و ارتقای هویت اسلامی و ملی و صیانت از خانواده و جامعه	- برجسته سازی - کارکرد ارتباط مسجد و خانواده - ارتقای هویت اسلامی و ملی - صیانت از خانواده	- تعامل سازنده مسجد و خانواده - تحکیم خانواده اسلامی
۴	- ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و آسان‌سازی ازدواج موفق و آسان برای همه دختران و پسران و افراد در سالهای مناسب ازدواج و تشکیل خانواده و نفی تجرد در جامعه با وضع سیاست‌های اجرایی و قوانین و مقررات تشویقی و حمایتی و فرهنگ‌سازی و ارزشگذاری به تشکیل خانواده متعالی بر اساس سنت الهی	- ترویج و آسان‌سازی ازدواج موفق و آسان - نفی تجرد در جامعه - تشویق و حمایت و فرهنگ‌سازی و ارزشگذاری به تشکیل خانواده متعالی	- فرهنگ‌سازی، آموزش و ترویج ازدواج

ادامه جدول ۵: تحلیل مضمون سیاستهای کلی خانواده

بند	گزاره سیاستی	مضمون پایه	مضمون سازمان دهنده
۵	<p>- تحکیم خانواده و ارتقای سرمایه اجتماعی آن بر پایه رضایت و انصاف، خدمت و احترام و مودت و رحمت با تأکید بر:</p> <p>- به‌کارگیری یکپارچه ظرفیتهای آموزشی، تربیتی و رسانه‌ای کشور در جهت تحکیم بنیان خانواده و روابط خانوادگی</p> <p>- فرهنگ‌سازی و تقویت تعاملات اخلاقی</p> <p>- مقابله مؤثر با جنگ نرم دشمنان برای فروپاشی و انحراف روابط خانوادگی و رفع موانع و زدودن آسیبها و چالشهای تحکیم خانواده</p> <p>- ممنوع بودن نشر برنامه‌های مخل ارزشهای خانواده</p> <p>- ایجاد فرصت برای حضور مفید و مؤثر اعضای خانواده در کنار یکدیگر و استفاده مؤثر خانواده از اوقات فراغت به صورت جمعی</p>	<p>- تحکیم خانواده</p> <p>- ارتقای سرمایه اجتماعی</p> <p>- ظرفیت آموزشی و تربیتی و رسانه‌ای</p> <p>- مبارزه با جنگ نرم دشمن</p> <p>- ممنوع بودن نشر برنامه‌های مخل ارزشها</p> <p>- ایجاد اوقات فراغت خانوادگی</p>	<p>- تحکیم خانواده اسلامی</p> <p>- محوریت اخلاق در خانواده</p> <p>- مبارزه با جنگ نرم دشمن</p> <p>- فرهنگ‌سازی و آموزش و ترویج ازدواج</p> <p>- ظرفیت رسانه‌ای کشور</p> <p>- مسئولیت‌پذیری و تعهد خانوادگی</p>
۶	<p>- ارائه و ترسیم الگوی اسلامی خانواده و تقویت و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی با:</p> <p>- ترویج ارزشهای متعالی و سنتهای پسندیده در ازدواج و</p> <p>- پر رنگ کردن ارزشهای اخلاقی و زدودن پیرایه‌های باطل از آن</p> <p>- مبارزه با اشرافیت و تجمل‌گرایی و مظاهر فرهنگ غرب</p> <p>- اصلاح رفتار گروه‌های مرجع و برجسته‌سازی رفتارهای شایسته آنها و جلوگیری از شکل‌گیری گروه‌های مرجع ناسالم</p>	<p>- ترویج ازدواج</p> <p>- مبارزه با اشرافیت و تجمل‌گرایی</p> <p>- اصلاح رفتارهای گروه مرجع و برجسته‌سازی</p>	<p>- تحکیم خانواده اسلامی</p> <p>- ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی</p> <p>- فرهنگ‌سازی و آموزش و ترویج ازدواج</p> <p>- الگوسازی خانواده سالم</p>
۷	<p>- بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و روشهای قضایی در حوزه خانواده متناسب با نیازها و مقتضیات جدید و حل و فصل دعاوی در مراحل اولیه توسط حکمیت و تأمین عدالت و امنیت در تمامی مراحل انتظامی، دادرسی و اجرای احکام در دعاوی خانواده با هدف تثبیت و تحکیم خانواده</p>	<p>- بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی متناسب با مقتضیات و عدالت</p>	<p>- تحکیم خانواده اسلامی</p> <p>- نظام حقوقی عدالت‌محور</p>
۸	<p>- ایجاد فضای سالم و رعایت روابط اسلامی زن و مرد در جامعه</p>	<p>- فضای سالم روابط زن و مرد</p>	<p>- نظام روابط فردی</p>

ادامه جدول ۵: تحلیل مضمون سیاستهای کلی خانواده

بند	گزاره سیاستی	مضمون پایه	مضمون سازمان دهنده
۹	- ارتقای معیشت و اقتصاد خانواده‌ها با توانمندسازی آنان برای کاهش دغدغه‌های آینده آنها درباره اشتغال، ازدواج و مسکن	- ارتقای معیشت و اقتصاد خانواده‌ها - توانمندسازی	- اقتصاد خانواده
۱۰	- ساماندهی نظام مشاوره‌ای و آموزش قبل، هنگام و پس از تشکیل خانواده و آسان‌سازی دسترسی به آن بر اساس مبانی اسلامی - ایرانی در جهت استحکام خانواده	- نظام مشاوره‌ای و آموزش قبل و بعد - آسان‌سازی دسترسی	- نظام مشاوره خانواده
۱۱	- تقویت و تشویق خانواده در جهت جلب مشارکت خانواده برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های کشور در همه عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی	- تقویت و تشویق خانواده برای مشارکت در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و ...	- مشارکت خانواده در کارهای کشور
۱۲	- حمایت از عزت و کرامت همسری، نقش مادری و خانه‌داری زنان و نقش پدری و اقتصادی مردان و مسئولیت تربیتی و معنوی زنان و مردان و توانمندسازی اعضای خانواده در مسئولیت‌پذیری، تعاملات خانوادگی و ایفای نقش و رسالت خود	- حمایت از عزت و کرامت همسر و نقش مادری (تربیتی و همسرداری) و پدری (اقتصادی) - عدم تشابه نقش والدین در عین تساوی حقوق - توانمندسازی اعضا	- مسئولیت‌پذیری و تعهد خانوادگی - اقتصاد خانواده
۱۳	- پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و عوامل تزلزل نهاد خانواده بویژه موضوع طلاق و جبران آسیب‌های ناشی از آن با شناسایی مستمر عوامل طلاق و فروپاشی خانواده و فرهنگ‌سازی کراهت طلاق	- پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی (عوامل فروپاشی خانواده) - فرهنگ‌سازی کراهت طلاق	- فرهنگ‌سازی، آموزش و ترویج ازدواج - پیشگیری از آسیب‌های تزلزل نهاد خانواده
۱۴	- حمایت حقوقی، اقتصادی و فرهنگی از خانواده‌های با سرپرستی زنان و تشویق و آسان‌سازی ازدواج آنان	- حمایت حقوقی و اقتصادی و فرهنگی زنان خود سرپرست - آسان‌سازی ازدواج	- حمایت همه‌جانبه از خانواده آسیب‌پذیر
۱۵	- اتخاذ روشهای حمایتی و تشویقی مناسب برای تکریم سالمندان در خانواده و تقویت مراقبتهای جسمی و روحی و عاطفی از آنان	- حمایت و تکریم سالمندان	- حمایت همه‌جانبه از خانواده آسیب‌پذیر
۱۶	- ایجاد ساز و کارهای لازم برای ارتقای سلامت همه‌جانبه خانواده‌ها بویژه سلامت باروری و افزایش فرزندآوری در جهت برخورداری از جامعه جوان، سالم، پویا و بالنده	- ارتقای سلامت همه‌جانبه بویژه سلامت باروری - مقابله با تحدید نسل	- فرهنگ‌سازی، آموزش و ترویج ازدواج - پیشگیری از آسیب‌های تزلزل نهاد خانواده

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مضمونهای سازمان‌دهنده سیاستها شامل این مفاهیم است که الگوسازی براساس آنها صورت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر ابعاد و عناصر این تحقیق عبارت است از:

۱- تحکیم خانواده اسلامی ۲- خانواده‌محوری در سیاست‌گذاری ۳- تعامل سازنده مسجد و خانواده
 ۴- فرهنگ‌سازی، آموزش و ترویج ازدواج ۵- محوریت اخلاق در خانواده ۶- مبارزه با جنگ
 نرم دشمن ۷- ظرفیت رسانه‌ای کشور ۸- مسئولیت‌پذیری و تعهد خانوادگی ۹- ترویج سبک
 زندگی اسلامی - ایرانی ۱۰- الگوسازی خانواده سالم ۱۱- نظام حقوقی عدالت‌محور ۱۲- نظام
 روابط فردی ۱۳- اقتصاد خانواده ۱۴- نظام مشاوره خانواده ۱۵- مشارکت خانواده در کارهای
 کشور ۱۶- پیشگیری از آسیب‌های تنزل نهاد خانواده ۱۷- حمایت همه‌جانبه از خانواده
 آسیب‌پذیر. اعداد اینها به منزله شناسه‌های مضمون به‌شمار می‌رود.

مرحله دوم - به‌دست آوردن ماتریس خود تعاملی ساختاری^۱: این ماتریس مربع به تعداد
 عناصری است که اینها در سطر و ستون اول آن به‌ترتیب ذکر می‌شود؛ آن‌گاه روابط دو به دوی
 متغیرها توسط نمادهایی مشخص می‌شود. برای تعیین روابط بین عناصر از یک طیف چهارتایی به
 صورت زیر استفاده شده است (بولانوس و همکاران^۲، ۲۰۰۵):

۳: عامل سطر I روی عامل ستون J کاملاً مؤثر است (تأثیر زیاد).

۲: عامل سطر I روی عامل ستون J مؤثر است (تأثیر متوسط).

۱: عامل سطر I روی عامل ستون J تأثیر ناچیزی دارد (تأثیر اندک).

۰: عامل سطر I روی عامل ستون J بی‌تأثیر است (بدون تأثیر).

نتایج پرسشنامه‌ها با هم جمع شد و اعداد در جدول ۶ آمده است. بنابراین در هر یک از
 خانه‌های این جدول اعدادی بین ۰ تا ۳۰ قرار خواهند گرفت؛ به عنوان مثال عدد ۱۸ به این
 معناست که جمع امتیاز ۱۰ نفر خبره (هرکدام بین عدد صفر تا سه می‌توانند امتیاز دهند) برای تأثیر
 مؤلفه اول بر مؤلفه دوم امتیاز ۱۸، است. برای تک تک خانه‌های جدول این امتیازها باید محاسبه
 شود و جدول زیر نهایی شده جمع‌بندی امتیازات خبرگان است.

جدول ۶: ماتریس خودتعاملی ساختاری مضمونهای سیاستهای کلی خانواده

مضمونهای کلیدی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۱																	
۲																	
۳																	
۴																	
۵																	
۶																	
۷																	
۸																	
۹																	
۱۰																	
۱۱																	
۱۲																	
۱۳																	
۱۴																	
۱۵																	
۱۶																	
۱۷																	

مرحله سوم - طراحی ماتریس دستیابی: ماتریس دستیابی با تعیین روابط به صورت صفر و یک از روی ماتریس مرحله قبل و طی دو مرحله به دست می آید. در مرحله اول ابتدا یک مقیاس عددی واحد در نظرمی گیریم و اعداد جدول مرحله قبل را با آن مقایسه می کنیم. در صورتی که عدد مربوط در جدول از مقیاس بزرگتر باشد در جدول جدید از عدد یک و در غیر این صورت از صفر استفاده می کنیم (بولانوس و همکاران، ۲۰۰۵)

بولانوس و همکارانش برای یافتن عدد مقیاس از فرمول زیر استفاده می کنند:

$$M = \begin{cases} a_{ij} = 1 & \text{if } a_{ij} \geq m \\ a_{ij} = 0 & \text{if } a_{ij} < m \end{cases}$$

$$m = 2 \times n$$

$$m = \text{عدد مقیاس}$$

$$n = \text{تعداد پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده}$$

برای این تحقیق عدد مقیاس ۲۰ به دست می آید.

$$m = 2 * 10 = 20$$

در مرحله دوم، ماتریس به دست آمده در مرحله اول را با ماتریس واحد جمع می کنیم.

$$RM = M + I$$

$$RM = \text{ماتریس دستیابی}$$

$$M = \text{ماتریس در مرحله اول}$$

$$I = \text{ماتریس واحد}$$

حاصل این محاسبات، که ماتریس دستیابی است در جدول زیر آمده است.

جدول ۷: ماتریس خودتعاملی ساختاری مضمونهای کلیدی سیاستهای کلی خانواده

مضمونهای کلیدی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	قدرت نفوذ
۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲
۲	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۴
۳	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۱
۴	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۳
۵	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۹
۶	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۳
۷	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۵
۸	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۳
۹	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۴
۱۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۲
۱۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۸
۱۲	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۹
۱۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۴
۱۴	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۲
۱۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۲
۱۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۵
۱۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۳
وابستگی	۱۶	۶	۱۱	۱۵	۱۴	۱۳	۴	۱۴	۱۵	۱۴	۱۵	۱۴	۱۵	۱۴	۱۵	۱۵	۱۵	

اعداد صفر و یک به عبارت دیگر به این معناست که رابطه‌ای بین دو مؤلفه وجود دارد یا خیر. اگر عدد صفر باشد یعنی رابطه‌ای بین دو مؤلفه برقرار نیست. چنانچه عدد یک باشد یعنی این دو مؤلفه با همدیگر رابطه دارد.

مرحله چهارم - تعیین سطح عوامل: در این مرحله به دنبال این هستیم که بدانیم کدام عوامل متغیرهای وابسته، میانجی و مستقل است. برای شناسایی چنین کاری باید عوامل را سطح‌بندی کنیم. قطعاً عوامل سطح یک در زمره متغیرهای وابسته است و آخرین سطح جزء متغیرهای مستقل به شمار می‌رود. برای سطح‌بندی نیز باید برای تک تک عوامل، مجموعه دستیابی^۱ و مجموعه پیشنهاد^۲ را شناسایی کنیم.

مجموعه دستیابی هر عامل، شامل عواملی می‌شود که از این عامل تأثیر می‌پذیرد و مجموعه پیشنهاد شامل عواملی می‌شود که بر این عامل تأثیرگذار است. این تأثیر و تأثرها با استفاده از ماتریس دستیابی به دست می‌آید.

پس از تعیین مجموعه دستیابی و پیشنهاد هر عامل، عناصر مشترک این دو مجموعه برای هر عامل شناسایی می‌شود. سپس نوبت به تعیین سطح عوامل می‌رسد. در اولین جدول عاملی دارای بالاترین سطح است که مجموعه دستیابی و عناصر مشترک آن کاملاً یکسان باشد. پس از تعیین این عامل یا عوامل آنها را از جدول حذف می‌کنیم و با دیگر عناصر باقیمانده جدول بعدی را تشکیل می‌دهیم. در جدول دوم نیز همانند جدول اول متغیر سطح دوم را مشخص می‌کنیم و این کار را تا تعیین سطح همه متغیرها ادامه می‌دهیم. در این تحقیق این کار طی جدولهای بعدی انجام شده است.

1 - Reachability set
2 - Antecedent set

جدول ۸: تعیین سطح عوامل (سطح اول)

عوامل	مجموعه دریافتی	مجموعه پیش‌نیاز	مشترک	سطح
۱	۱۶	۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲ ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳	۱۶	یک
۲	۱۳، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲ ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴	۱۶، ۱۵، ۱۳، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷	۱۶، ۱۵، ۱۳، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷	
۳	۱۷، ۱۶، ۱۴، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲	۱۶، ۱۵، ۱۳، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲	۱۶، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳	
۴	۱۴، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲ ۱۶، ۱۵	۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲ ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴	۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳ ۱۶، ۱۵، ۱۴	
۵	۱۶، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲	۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲ ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴	۱۶، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳	
۶	۱۴، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲ ۱۷، ۱۶، ۱۵	۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲ ۱۷، ۱۶، ۱۵	۱۴، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳ ۱۷، ۱۶، ۱۵	
۷	۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴	۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲	۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲	
۸	۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲ ۱۷، ۱۶، ۱۵	۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲ ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴	۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳ ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳	
۹	۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲ ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴	۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲ ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴	۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳ ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳	
۱۰	۱۶، ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۷	۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲ ۱۷، ۱۶، ۱۵	۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲ ۱۷، ۱۶	
۱۱	۱۷، ۱۶، ۱۴، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۱۷، ۱۶، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲	۱۷، ۱۶، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲	
۱۲	۱۶، ۱۳، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۱۶، ۱۴، ۱۳، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲	۱۶، ۱۳، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	
۱۳	۱۴، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۷، ۱۶، ۱۵	۱۷، ۱۶، ۱۴، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲	۱۷، ۱۶، ۱۴، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲	
۱۴	۱۵، ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۷، ۱۶	۱۷، ۱۶، ۱۳، ۱۱، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲	۱۷، ۱۶، ۱۳، ۱۱، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲	
۱۵	۱۷، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۱۷، ۱۶، ۱۴، ۱۳، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲	۱۷، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	
۱۶	۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۳	۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۳	۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱	یک
۱۷	۱۳، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۶، ۱۵، ۱۴	۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳	۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳	یک

بر اساس توضیحات پیشین مشاهده می‌شود که تنها سه عامل نخست، شانزدهم و هفدهم یعنی تحکیم خانواده اسلامی و پیشگیری از آسیب‌ها و حمایت همه‌جانبه از خانواده آسیب پذیر مجموعه دریافتی و مشترک به طور کامل یکسان است؛ یعنی این عاملی است در الگوی نهایی که بیشترین تأثیرپذیری را از دیگر عوامل و کمترین تأثیرگذاری را بر آنها دارد و به همین دلیل

بالاترین سطح الگو را به خود اختصاص می‌دهد.
 با حذف عامل نخست و شانزدهم جدول زیر نیز سطح دوم عوامل را نشان می‌دهد:

جدول ۹: تعیین سطح عوامل (سطح دوم)

عوامل	مجموعه دریافتی	مجموعه پیش نیاز	مشترک	سطح
۲	۱۳، ۱۱، ۱۰، ۹، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۱۷، ۱۵، ۱۴	۱۵، ۱۳، ۱۰، ۱۱، ۸، ۷	۱۵، ۱۳، ۱۱، ۱۰، ۷	
۳	۱۴، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۵، ۴	۱۵، ۱۳، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۲	۱۰، ۹، ۸، ۷، ۵، ۴	
۴	۱۴، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۵، ۳	۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۳، ۲	۱۴، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۵، ۳ ۱۵	دوم
۵	۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۴، ۳	۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۴، ۳، ۲	۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۴، ۳	دوم
۶	۱۵، ۱۴، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۵، ۴، ۳	۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱۵، ۱۴	۱۵، ۱۴، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۵	دوم
۷	۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱۵، ۱۴	۱۵، ۶، ۲	۱۵، ۶، ۲	
۸	۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۱۵	۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳	۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳ ۱۵	دوم
۹	۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۱۵، ۱۴	۱۲، ۱۱، ۱۰، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲	۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳ ۱۵، ۱۴	دوم
۱۰	۱۳، ۱۲، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲	۱۳، ۱۲، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲	۱۳، ۱۲، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲	دوم
۱۱	۱۴، ۹، ۸، ۴، ۲	۹، ۸، ۴، ۲	۹، ۸، ۴، ۲	
۱۲	۱۳، ۹، ۱۰، ۸، ۷، ۵، ۴	۱۴، ۱۰، ۱۳، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳	۱۳، ۹، ۱۰، ۸، ۷، ۵، ۴	دوم
۱۳	۱۴، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱۵	۱۴، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۲	۱۴، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۲	
۱۴	۱۵، ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴	۱۳، ۱۱، ۹، ۷، ۶، ۴، ۳، ۲	۱۳، ۶، ۹، ۴	
۱۵	۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲	۱۷، ۱۴، ۱۳، ۹، ۸، ۷، ۶، ۴، ۲	۹، ۸، ۷، ۶، ۴، ۲	

با توجه به جدول عوامل ۴، ۵، ۶، ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۲ (فرهنگ‌سازی، آموزش و ترویج ازدواج، محوریت اخلاق در خانواده، مبارزه با جنگ نرم دشمن، مسئولیت‌پذیری و تعهد خانوادگی، ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی، الگوسازی خانواده سالم، نظام روابط فردی) نیز در سطح دوم الگو قرار می‌گیرد. با حذف عوامل سطح دوم در جدول بعدی، عوامل سطح سوم نشان داده می‌شود.

جدول ۱۰: تعیین سطح عوامل (سطح سوم)

عوامل	مجموعه دریافتی	مجموعه پیش نیاز	مشترک	سطح
۲	۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۱، ۷، ۳	۱۵، ۱۳، ۱۱، ۷	۱۵، ۱۳، ۱۱، ۷	سوم
۳	۴	۱۵، ۱۳، ۷، ۴، ۲	۴	سوم
۷	۱۵، ۱۴، ۱۳، ۳، ۲	۱۵، ۲	۱۵، ۲	سوم
۱۱	۱۴، ۲	۲	۲	سوم
۱۳	۱۵، ۳، ۱۴، ۲	۱۴، ۷، ۲	۱۴، ۲	سوم
۱۴	۱۵، ۱۳	۱۳، ۱۱، ۷، ۳، ۲	۱۳	سوم
۱۵	۷، ۳، ۲	۱۴، ۱۳، ۷، ۴، ۲	۷، ۲	سوم

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، عاملی یافت نمی‌شود که عوامل مشترک با عوامل دستیابی آنها یکی باشد؛ لذا تمامی این عوامل یعنی ۲، ۳، ۷، ۱۱، ۱۳، ۱۴ و ۱۵ در سطح سوم قرار می‌گیرد.

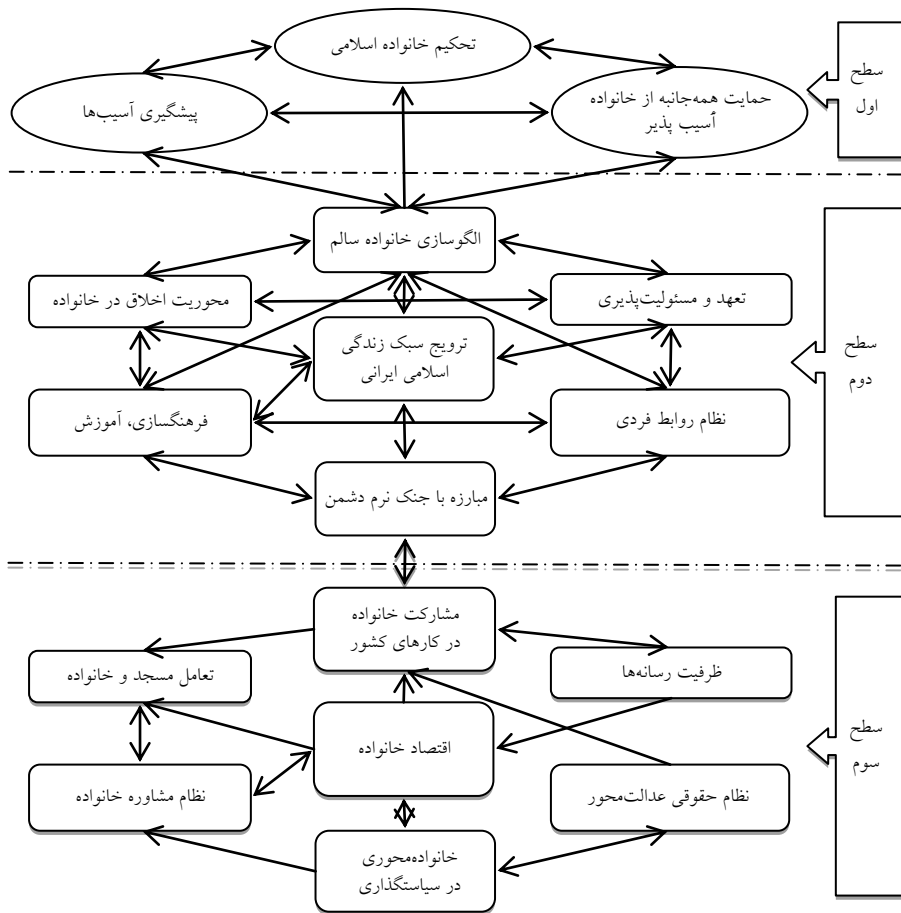
یافته‌ها

مرحله پنجم روش رسیدن به الگوی مضمونها است که در واقع یافته اصلی پژوهش است. پس از تعیین سطح عوامل می‌توان روابط آنها با یکدیگر را در قالب یک الگو براساس اطلاعات به‌دست آمده ماتریس دستیابی به نمایش در آورد. بر اساس جداول تعیین سطح، سه عامل تحکیم خانواده اسلامی، پیشگیری از آسیب‌های تنزل نهاد خانواده و حمایت همه‌جانبه از خانواده آسیب‌پذیر در سطح اول یعنی در بالای الگو قرار می‌گیرد و دیگر عوامل پایین‌تر از آنها خواهد بود. البته بر اساس شکل ۲ این سه نیز با یکدیگر روابط متقابل نیز دارند و بر هم اثرگذار هستند.

در سطح دیگر الگوسازی خانواده سالم، تعهد و مسئولیت‌پذیری خانوادگی، محوریت اخلاق در خانواده، فرهنگ‌سازی و آموزش ازدواج، ترویج سبک زندگی اسلامی، نظام روابط فردی و مبارزه با جنگ نرم دشمن قرار دارد که در واقع به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده و تقویت‌کننده عوامل سطح یک عمل می‌کند. طبق شکل ۲ این هفت عامل نیز تأثیرات متقابل وجود دارد. در این سطح مهمترین عامل مؤثر در تحکیم خانواده اسلامی، الگوسازی است. دیگر عوامل سطح دوم در واقع می‌خواهد کمک کند که به الگوسازی خانواده سالم کمک کند و این عامل نیز در تحکیم خانواده اسلامی نقش مستقیمی دارد. شاید در میان عوامل تربیتی مختلف، عامل الگو و نمونه مطلوب مهمترین عاملی است که در این زمینه می‌توان بدان اشاره داشت. عامل دوم، که محور این شبکه را در سطح دوم دارد، ترویج سبک زندگی اسلامی است که فرهنگ‌سازی و آموزش تأثیر

زیادی در این زمینه دارد. ترویج سبک زندگی اسلامی جز با آموزش و فرهنگ‌سازی محقق نخواهد شد.

در آخرین سطح، یعنی سطح سوم در واقع به عنوان عوامل بستر ساز و پایه‌ای مطرح است. عوامل این سطح مشارکت خانواده در کارهای کشور، تعامل مسجد و خانواده، اقتصاد خانواده، نظام حقوقی عدالت‌محور، ظرفیت رسانه‌ها، خانواده‌محوری در سیاست‌گذاری و نظام مشاوره خانواده است. در این سطح نیز روابط بین متغیرها کمتر دوسویه است و تأثیرات تک سویه مشاهده می‌گردد. در این سطح مهمترین عاملی که نقش محوری دارد، اقتصاد خانواده است که در واقع بستر و زمینه مهمی برای قوام خانواده اسلامی است.



شکل ۲: شبکه روابط بین مضمونهای اصلی سیاستهای کلی خانواده

در ادامه نیز می‌توان تجزیه و تحلیل میک مک^۱ را انجام داد که در واقع، تشخیص و تحلیل قدرت هدایت و وابستگی متغیرهاست. در این تحلیل عوامل بر اساس میزان قدرت نفوذ و وابستگی خود به چهار دسته تقسیم می‌شود که در جدول ۱۱ میزان قدرت و میزان وابستگی آنها نشان داده شده است. براساس میزان این دو معیار، عوامل در چهار وضعیت قرار می‌گیرد (یاوری، ۱۳۹۱: ۲۰۷).

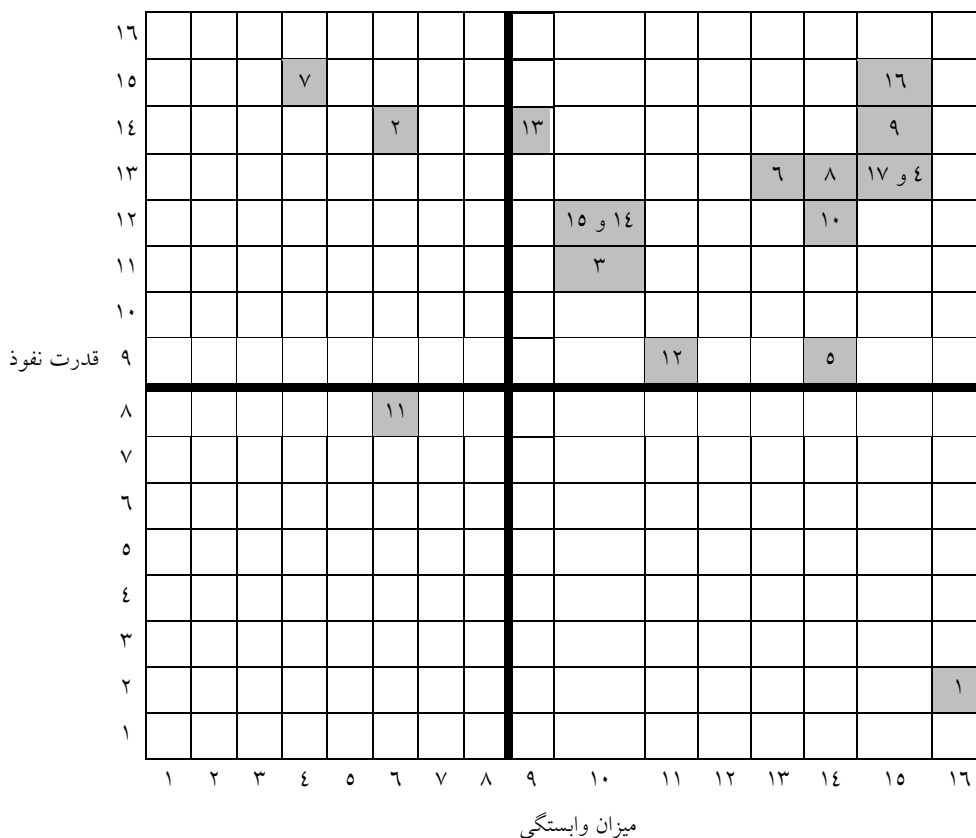
جدول ۱۱: تحلیل میک مک

عوامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
قدرت نفوذ	۲	۱۴	۱۱	۱۳	۹	۱۳	۱۵	۱۳	۱۴	۱۲	۸	۹	۱۴	۱۲	۱۲	۱۵	۱۳
میزان وابستگی	۱۶	۶	۱۱	۱۵	۱۴	۴	۱۳	۱۴	۱۵	۱۴	۶	۱۱	۹	۱۰	۱۰	۱۵	۱۵

دسته اول متغیرهای خودمختار است. این دسته عواملی است که هم قدرت هدایتی (عامل تقویت‌کننده عقلایی در دیگر عوامل) کمی دارد و هم وابستگی آن به دیگر عوامل کم است. طبق شکل ۳ تنها عامل نظام حقوقی در این دسته قرار می‌گیرد که میزان وابستگی آن کم است و میزان هدایت‌شوندگی آن نیز متوسط است. دسته دوم نیز متغیرهای وابسته است. در این دسته نیز تنها متغیر ۱ یعنی تحکیم خانواده اسلامی قرار دارد که قدرت هدایتی کمی بر دیگر متغیرها دارد؛ اما وابستگی آن به دیگر عوامل زیاد است. بیشترین عوامل در دسته سوم یعنی متغیرهای پیوندی می‌گنجد. این عوامل هم هدایتگر دیگر عوامل است و هم وابسته به آنها؛ بنابراین تغییر در آنها بر کل سامانه تأثیر می‌گذارد. در این دسته، عوامل تعامل سازنده مسجد و خانواده، فرهنگ‌سازی، آموزش و ترویج ازدواج، محوریت اخلاق در خانواده، مبارزه با جنگ نرم دشمن، مسئولیت‌پذیری و تعهد خانوادگی، ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی، الگوسازی خانواده سالم، نظام روابط فردی، اقتصاد خانواده، نظام مشاوره خانواده، مشارکت خانواده در کارهای کشور، پیشگیری از آسیب‌های تنزل نهاد خانواده، و حمایت همه‌جانبه از خانواده آسیب‌پذیر قرار دارد.

چهارمین دسته "متغیرهای مستقل" است که دارای قدرت هدایت قوی ولی وابستگی ضعیف است. بسیار قابل اهمیت است که در این دسته تنها متغیر ۲ و ۷ یعنی سیاست‌گذاری و ظرفیت رسانه‌ای قرار دارد. همان‌طور که پیشتر نشان داده شد، اینها در سطح سوم قرار دارد که در واقع

بسترسازی اهداف غایی یعنی تحکیم خانواده اسلامی را نشان می‌دهد.



شکل ۳: ماتریس قدرت نفوذ و وابستگی عوامل

بحث و نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران در واقع انقلاب فرهنگی - اجتماعی برآمده از آموزه‌ها و دکترین اسلامی است که در بستر آن جامعه و نهادها می‌توانند به رشد، تعالی و پیشرفت برسند. نهادهای مختلفی در میان انقلاب و حکومت اسلامی وجود دارند و هم‌چنین رشد و نمو پیدا نموده است. این نهادها هستند که پیکره اصلی نظام حاکمیتی و اجتماعی را ایجاد می‌کنند. در این میان مهمترین نهاد این انقلاب در میان نهادهای مختلف فرهنگی سیاسی و اقتصادی از قبیل دین، وقف و... نهاد خانواده است. در واقع اسلام بین دو اصالت فرد و جامعه به اصالت خانواده قائل است. نه فرد به عنوان فرد

مهم است و نه جمع به عنوان اجتماع مهم است؛ بلکه فرد در اجتماع از اهمیت زیادی برخوردار است که این امر در نظام خانواده معنی و تفسیر پیدا می‌کند؛ به عبارت دیگر این امر آن قدر اهمیت دارد که باید خانواده محور تمامی برنامه‌ها، سیاستها، اهداف، اقدامات و فعالیتها باشد و آن به عنوان مهمترین سلول حکومت زیر بنای استحکام فرهنگی آن است. از این رو خانواده‌محوری در تمام اقدامات سیاستگذاری مبنا و اساس هرگونه فعالیتی است. این یافته‌ای است که از تحلیل شبکه‌ای مضمونهای اصلی «سیاستهای کلی خانواده» استخراج شده است. قرار گرفتن مضمون «تحکیم خانواده اسلامی» در سطح اول الگوی پژوهش، بدان معناست که سیاستها و برنامه‌های کشور باید در راستای استحکام نظام خانوادگی باشد و حمایت همه‌جانبه از خانواده‌ها بویژه خانواده‌های آسیب‌پذیر و پیشگیری از آسیب‌ها حداقل کاری است که می‌توان در استحکام نظام خانواده اسلامی انجام داد. وقتی هدف چنین ترسیم شد، برداشت دیگر این مؤلفه این است که هر طرح، برنامه و اقدام کلانی در کشور باید پیوست استحکام خانوادگی داشته باشد. باید هر سیاست و برنامه‌ای قبل از اجرا میزان تأثیرگذاری آن بر تقویت و تنزل استحکام خانواده بررسی شود و سپس به مرحله اجرا برسد. این چنین است که نظام جمهوری اسلامی ایران به افق تمدنی خود نزدیک می‌شود. همان‌طور که در حال حاضر در سطح کلان از پیوست فرهنگی صحبت می‌شود و این یکی از منویات مقام معظم رهبری است، یکی از مصداقهای این پیوست فرهنگی بحث پیوست زیست محیطی و در رأس آنها پیوست فرهنگی استحکام خانواده است؛ به عبارت دیگر سیاستهای کلی خانواده، که توسط مقام معظم رهبری مدظله العالی ابلاغ شده است، می‌خواهد اصالت و اهمیت خانواده و خانواده‌محوری را در تمام سیاستهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی نشان دهد. در این پژوهش مضمونهای اصلی این سیاست، شناسایی و شبکه تأثیر و تأثر آنها در سطوح مختلف استخراج شد. مهمترین یافته این تحقیق استخراج سه سطح شبکه روابط بین مضمونها بود که ارتباط منطقی با یکدیگر دارد. سطح یک این شبکه نشاندهنده غایت اصلی این سیاستهاست که در واقع استحکام نظام خانواده در بستر اسلام و دین است. در این میان مهمترین مضمونهای استخراج شده، پیشگیری از آسیب‌ها و حمایت از خانواده‌ها بویژه خانواده‌های آسیب‌پذیر است. حمایت از خانواده‌های آسیب‌پذیر همچون حمایت از زنان خودسرپرست و بد سرپرست خانوار یکی از چالشهای جدی امروز عرصه اجتماعی است. در حال حاضر میزان شکنندگی خانوادگی میان زوجهای جوان بسیار زیاد است. بررسی آمار طلاق در سایت رسمی سازمان ثبت احوال تا پایان بهمن سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که ۱۶۵ هزار و ۹۷۱ مورد

طلاق به ثبت رسیده است که تهران با ۳۶ هزار و ۱۰۰ مورد در رتبه نخست و ایلام با ۷۵۹ مورد در رتبه آخر کشوری قرار دارند. بر اساس آمار این سازمان در ۹ ماهه سال ۱۳۹۵ تعداد ازدواجهای ثبت شده برابر با ۵ میلیون و ۳۵۶ هزار و ۷۰ مورد بوده که در مقابل در این مدت ۱۳۵ هزار و ۶۶۷ مورد طلاق اتفاق افتاده است. سطح دوم این شبکه به روابط بین مضمونهای حوزه فرهنگی اشاره دارد. در واقع این سطح نشان می‌دهد برای تحقق اهداف غایی این سیاستها باید با رویکرد فرهنگی پیش رفت. وضعیت طلاق و ازدواج در کشور نشان می‌دهد که فرهنگ‌سازی و آموزش در این زمینه نقش پررنگی ایفا خواهد کرد. در واقع لازم است به منظور استحکام خانواده اسلامی با استفاده از روشهای فرهنگ‌سازی و آموزش به الگوسازی برای خانواده‌های ایرانی پرداخت. این الگوسازی امروزه در نظریه یادگیری اجتماعی مطرح شده است.

نظریه یادگیری اجتماعی توسط آلبرت بندورا ارائه شد. وی اعتقاد دارد که آموزش مستقیم، تنها وسیله یادگیری نیست. نظریه او، عنصر اجتماعی را نیز در نظر می‌گیرد و می‌گوید که مردم می‌توانند اطلاعات و رفتارهای جدید را از طریق مشاهده مردمان دیگر یاد بگیرند. این نوع یادگیری را، که به یادگیری (یا الگوسازی) مشاهده‌ای معروف است، می‌توان برای توضیح انواع گسترده‌ای از رفتارها به کار برد. برای فرهنگ‌سازی استحکام خانواده نیز، الگوسازی خانواده اسلامی در حقیقت نوعی یادگیری اجتماعی است. الگوسازی در واقع، مسیری میانبر است تا خانواده‌های ایرانی به خانواده‌های متمدن اسلامی تبدیل شوند. بنابراین تمامی مضمونهای فرهنگی سطح دوم باید به تحقق الگوسازی کمک کند.

سطح سوم این شبکه به عوامل بستر ساز و یا زمینه‌ساز تحقق خانواده اسلامی اشاره دارد؛ این بدان معناست که اگر به این موارد پرداخته نشود، تاثیر سطح دوم کمرنگ خواهد شد. مضمونهای سطح سوم الگو، می‌باید بخوبی عمل کند تا مضمونهای سطح دوم از توان اثرگذاری در راستای استحکام خانواده اسلامی برخوردار باشند. این بسترها، بسترهای حقوقی، اقتصادی و سیاست‌گذاری است که دولت به عنوان نماینده حقوقی مردم و شهروندان باید به بازنگری و تصحیح این نظامها بپردازد تا نظام فرهنگی بتواند تاثیر مستقیم خود را عملی سازد. شاید بتوان گفت که متغیرهای مهم این سطح نظام اقتصادی، نظام حقوقی، مشاوره‌ای خانواده است که امروزه یکی از مهمترین عوامل اثرگذار برای استحکام نظام خانوادگی است. وجود شناخت صحیح اعضای خانواده از حقوق و تکالیف همدیگر و هم‌چنین شناخت روحیات و اخلاقیات همدیگر قبل از ازدواج و در طی ازدواج ضرورت نظام مشاوره‌ای و حقوقی کارآمد را ایجاد خواهد کرد. هم‌چنین آماده‌سازی

بسترهای اقتصادی مورد نیاز برای تأمین رفاه حداقلی زندگی در پایداری و قوام خانواده کمک شایانی خواهد کرد.

بنابراین می‌توان در مجموع این‌گونه گفت که شبکه مضمونهای سیاستهای کلی و سطوح آن، فرایندی را برای تحقق خانواده متمدن اسلامی ترسیم می‌کند. این فرایند شامل تنظیم عوامل بسترساز و اجرای عوامل و رویکردهای فرهنگی و تحقق اهداف غایی آن است. بی‌شک یک تحقیق ظرفیت بررسی همه جوانب و عوامل مختلف را نخواهد داشت؛ لذا در انتها به منظور تکمیل این پژوهش، موضوعات زیر برای پژوهشگران آینده پیشنهاد می‌شود:

از آنجا که به کارگیری راهبرد الگوسازی ساختاری تفسیری به سطح‌بندی و نه اولویت‌بندی کمی و دقیق مضمونها منجر می‌شود، می‌توان با اجرای شیوه‌های نرم تصمیم‌گیری و پژوهش عملیاتی به اولویت‌بندی این مضمونها در سطوح دوم و سوم پرداخت. تبیین هر یک از مؤلفه‌ها و متغیرهای سطوح مختلف این شبکه مضمونها می‌تواند در راستای تبیین و برنامه‌ریزی صحیح کمک شایانی کند.

یکی از مهمترین یافته‌های این پژوهش ضرورت تنظیم پیوست استحکام خانواده برای طرحها و برنامه‌های کلان کشور است. الگوسازی محتوای این پیوست و ساختار آن می‌تواند موضوع تحقیقی برای پژوهشگران آینده باشد.

با به کارگیری شیوه‌های آماری می‌توان نظام تأثیر و تأثر را برای تک‌تک روابط تدقیق کرد تا بتوان اعتباربخشی روابط و وزنهای تأثیرگذاری را مشخص ساخت.

تعیین نسبت دیگر سیاستهای کلی نظام با سند سیاستهای کلی خانواده: مشخص کردن این نسبت، بیانگر این است که دیگر سیاستهای کلی نظام، چه میزان مقوم سیاستهای کلی خانواده و نظام خانواده در جامعه است.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه غلامعلی حداد عادل.
- رضی، ابوالحسن محمد ابن حسین. **نهج البلاغه**. ترجمه محمد دشتی. تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۶). **سیاستگذاری عمومی در ایران**. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- الوانی، سیدمهدی؛ شریف‌زاده، فتاح (۱۳۸۸). **فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی**. چ هفتم. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

- خان‌محمدی، هادی (۱۳۹۳). طراحی الگوی مشارکت شهروندی در مدیریت دولتی مبتنی بر تعالیم نهج البلاغه. رساله دکتری مدیریت دولتی. دانشگاه علامه طباطبائی (ره).
- دانش فرد، کرم‌اله (۱۳۹۲). مبانی خط‌مشی‌گذرای عمومی. تهران: نشر نیاز دانش.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۷۱). تحلیلی بر وضعیت تربیت دینی معاصر ایران. همایش جایگاه تربیت در آموزش و پرورش.
- سیاست‌های کلی خانواده ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله العالی. مورخ ۹۵/۶/۱۳.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۶۸.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷). تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: انتشارات سمت.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱). حقوق مدنی خانواده. ج ۱. تهران: انتشارات بهمن برنا.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۵). اخلاق در قرآن. قم: نشر بوستان کتاب.
- مهدوی کنی، صدیقه (۱۳۸۸). ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن (رویکردی معناشناختی). چ دوم. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- نصر، سید حسین (۱۳۸۵). قلب اسلام. چ چهارم. ترجمه سید محمد صادق خرازی. تهران: نشرنی.
- یاوری، وحید (۱۳۹۱). طراحی مدل مفهومی مدیریت عملکرد سازمانی برای سازمان اوقاف و امور خیریه. رساله دکتری مدیریت دولتی. دانشگاه علامه طباطبائی (ره).

- Bolanos Ricardo, Emilio Fontela, Alfredo Nenclares, Pablo Pastor, (2005), "Using interpretive structural modelling in strategic decision-making groups", Management Decision, Vol. 43 Iss: 6 pp. 877 – 895.
- Boyatzis, R. E. 1998, "Transforming qualitative information: thematic analysis and code development". Sage.
- Braun, V. & Clarke, V. 2006, "Using thematic analysis in psychology". Qualitative Research in Psychology". Vol. 3. No. 2. Pp. 77-101.
- Hantrais, Linda, (2004) "FAMILY POLICY MATTERS: Responding to family change in Europe", UK: The Policy Press, University of Bristol.
- Howlett, Michael, and M. Ramesh. (2009) Studying Public Policy. 3. Oxford New York University Press.
- Mätzke. M., Ostner, I., (2010) "Introduction: change and continuity in recent family policies", DOI: 10.1177/0958928710380476, Journal of European Social Policy 2010 20: 387.
- Mercier, Joyce M., Garasky, Steven B., Shelley, Mack C., (2000) "Redefining Family Policy", IOWA State University Press.
- Shafritz, J., and Christopher Borick. (2008) Introducing Public Policy. New York: Longman.
- Walker, Janet, (1988) "Policies for life Contributions to family therapy-social policy", Journal of Family Therapy, Volume 10.
- Woods, Dorian, R., (2012) "Family Policy in Transformation: US and UK Policies", New York: Palgrave Macmillan in the US is a division of St Martin's Press LLC.
- Zimmerman, Shirley L., (1995) "Understanding Family Policy, Theories and Applications", Second Edition, New Delhi: Sage publications.